

## اصول و مؤلفه‌های نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر بیانیه «گام دوم انقلاب»

دریافت: ۹۸/۴/۹

تأیید: ۹۹/۳/۱۰

ابراهیم موسی‌زاده\*

### چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اطلاع از آسیب‌های الگوهای سیاسی حاکم بر غرب؛ نظام «چپ و راست مدرنیته» را که زاینده حاکمیت طاغوتی است، به شدت طرد نموده و یکی از وظایف دولت را «ایجاد نظام اداری صحیح» و «نظام اسلامی» مقرر کرده است. علی‌رغم این تصریح، جز در موارد نادر، اشاره خاصی به مؤلفه‌ها و اصول حاکم بر «نظام‌سازی اسلامی» صورت نگرفته است. اکنون با پشت سر نهادن چهار دهه تجربه و ابتدای بیانیه «گام دوم انقلاب»، بر دستاوردهای این «چله پر افتخار»، پرسش اصلی که مطرح می‌شود، این است که بیانیه گام دوم انقلاب، برای نظام‌سازی چه اصول و مؤلفه‌هایی را ارائه می‌دهد؟ با توجه به مبانی، شاکله و جهت‌گیری صریح قانون اساسی در خصوص حاکمیت موازین اسلامی بر همه قوانین و مقررات، مسلماً از منظر واضعان قانون اساسی و هم‌چنین بیانیه گام دوم، «نظام‌سازی اسلامی» دارای مؤلفه‌ها و اصول ارزشی برخاسته از دین است که چنین نظامی بر ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، استکبارستیزی، معنویت، عقلانیت و مردم‌سالاری مبتنی است که آسیب‌ها، راه‌کارها و اصول حاکم بر این ارزش‌ها نیز در بیانیه «گام دوم انقلاب»، به عنوان نقشه راه نظام‌سازی اسلامی تبیین شده‌اند. این نوشتار بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر گرفتن چشم‌اندازهایی به عنوان غایات «بیانیه»، به بررسی چیستی مؤلفه‌ها، اصول و راه‌کارهای تحقق «نظام‌سازی اسلامی» می‌پردازد.

### واژگان کلیدی

نظام‌سازی، مدیریت انقلابی، تمدن‌سازی، مردم‌سالاری، بیانیه گام دوم

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: e.mosazadeh@ut.ac.ir



## مقدمه

فقه عظیم شیعی از همان مراحل اولیه تدوین و تکوین، با فقه سیاسی و فقه نظام‌ساز عجین و همراه بوده است، لکن نظام‌سازی مبتنی بر فقه غنی شیعی، امری است که با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و مجاهدت علمی و عملی فقهای عظیم الشان و در رأس آنها حضرت امام خمینی 1 وارد مرحله‌ای جدید و کاربردی شد که در راستای تحقق آرمان «فقه، تئوری کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۸۹) نظام‌سازی بر اساس فقه، به یک امر جاری بدل شده است که مهم‌تر از آن، تکمیل و متمم نظام جاری و جبران خلأها و کاستی‌های آن بر اساس اندیشه‌های ناب فقاہت و اصول و موازین دینی است؛ چرا که پیشرفت و تعالی جامعه با حفظ اصول و هویت نظام، امکان‌پذیر بوده و از سوی دیگر، اصلاح و تکمیل مسیر حرکت، جزء متمم نظام‌سازی است. بر این اساس، طراحی و ارائه فقه نظام در ابعاد متعدد و نظام‌سازی از ضرورت‌های جامعه امروز اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۲).

شایان یادآوری است که طراحی نظام‌ها، رابطه بسیار وثیق و نزدیکی با نظام سیاسی اساسی و کلان دارد (Calvert, 1985, p.63). چرا که نظام سیاسی، مسائل مربوط به حاکمیت را در سطح بالاتر مورد بحث قرار می‌دهد؛ در حالی که نظام‌سازی‌های مرتبط، همان مسائل را در سطوح متنوع مورد کنکاش قرار داده و در صدد تحقق آرمان‌های اساسی است که توسط منابع ارزشی نخستین بیان شده‌اند (Jaykumar, 2005, p.4). یعنی این که میان نظام‌سازی با نظام سیاسی کلان حاکم و مندرج در قانون اساسی، تفکیکی وجود ندارد؛ زیرا هر دو، نوعی تدبیر در امور عمومی است (قاسم جعفر، ۱۹۹۴م، ص ۸۶).

در هر حال، اصلاح و تکمیل مسیر حرکت نظام کلان سیاسی، جزء متمم نظام‌سازی محسوب می‌شود و در این راستا، پیشرفت و تعالی جامعه با حفظ اصول و هویت نظام اصلی امکان‌پذیر است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳). یکی از اسناد نظام‌سازی که به مثابه

منشور و با دارابودن ارزش حقوقی و شرعی، توانایی تبیین چشم‌انداز و ارائه راه‌کار در این مسیر را دارا است، بیانیه «گام دوم انقلاب» مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ می‌باشد. این بیانیه با تمامی اجزاء، بندها، فرازها و توصیه‌ها از یک روح واحد، منجسم و نظام اساسی حکایت دارد که این نظام و روح کلی، عبارت است از نظام‌سازی اسلامی و عملی‌ساختن آن در راستای تحقق تمدن‌سازی اسلامی و نهایتاً زمینه‌سازی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه). بر اساس اصول متعدد قانون اساسی، نظام سیاسی حاکم در کشور ما، «جمهوری اسلامی» همراه با اصول و ارزش‌های الهی و وحیانی و احکام و موازین اسلامی است. حال مسأله اساسی این است که بیانیه «گام دوم انقلاب»، برای تحقق این اصول و ارزش‌های وحیانی و الهی، چه اصول و مؤلفه‌هایی را تجویز می‌نماید. بر این اساس، پرسش اصلی این نوشتار، چیستی اصول و مؤلفه‌های حقوقی - فقهی بیانیه «گام دوم» انقلاب است که با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد موضوع می‌پردازد.

## نظام‌سازی

«نظام» جمع «نظم» است و آن به معنای اجتماع اجزا و قطعات به‌هم‌پیوسته در مجموعه‌ای است که با تأثیر در یک‌دیگر به صورت متقن و هدایت‌شده، هدف واحد و مشخصی را دنبال می‌کنند. تعبیر «نظام عالم» یا «نظام هستی» یا «نظم در مخلوقات و پدیده‌ها» به این معناست که همه آن‌ها دارای غایت معین و هدف مشخص و اتقان و استحکام خاصی هستند که قرآن هم به آن اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲-۱۴۱).

محور اصلی یک مجموعه که تحت عنوان «نظام» شناخته می‌شود، عبارت است از تمرکز عملیات مشترک اجزای تشکیل‌دهنده آن و رابطه تعاملی اجزای آن و هدف‌داربودن تمرکز به منظور رسیدن به هدف‌های خاص و مورد نظر.

اسلام دارای نظامی است که ارکان، ماهیت، چارچوب و اوصافش آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌سازد. نظام اسلامی را در سراسر تاریخ آن به ویژه در مقاطع خاصی از

آن می‌توان به وضوح مشاهده و مورد بررسی قرار داد (کتانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱؛ شمس الدین، ۱۳۷۵، ص ۳۳). نظام در واقع جزء ضروری و جدایی‌ناپذیر حاکمیت و نمودار ساختار آن می‌باشد. بر همین اساس، حفظ نظام هم یکی از مهم‌ترین مبانی و قواعد فقهی محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۹ و عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۷). از آن جا که برآیند نظام‌سازی، مربوط به مکلف کلان و رفتار جامعه در عرصه‌های گوناگون است (اراکی، ۱۳۹۳، ص ۱۶)، لذا توجه به نظامات در عرصه‌های متعدد و استنباط، تدوین و تفریع احکام آن‌ها، از الزامات پژوهش‌های نظام‌سازی است که مسلماً یکی از مهم‌ترین این حوزه‌ها، «نظریه نظام انقلابی» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱).

### ماهیت نظام اسلامی

اوصاف و ویژگی‌های ممتاز نظام اسلامی در ماهیت آن نهفته است. این ماهیت است که روی‌کرد، اهداف، صلاحیت‌ها و جایگاه نظام‌سازی را مشخص می‌کند. اگر ماهیت نظام را برآمده از یک امر اعتباری صرف و قراردادی محض بدانیم یا آن را تابع نظام واقعی و تکوینی الهی بدانیم، از دو نظام متفاوت برخوردار خواهیم شد. اگر پیوند مردم و خرده‌نظام‌ها با نظام اساسی یک امر قراردادی و اعتباری باشد، عمل‌کرد و فعالیت‌های نظام در محدوده همان اعتبار و قرارداد خواهد بود و اگر آن ارتباط ریشه در امور واقعی و ارزشی و اعتباریات نفس‌الامری داشته باشد، عمل‌کرد در محدوده این امور ارزشی و واقعی قرار خواهد گرفت یا حداقل از آن‌ها استنتاج خواهد شد. این رابطه در نظام اسلامی، تنها حول محور قرارداد و امور صرفاً اعتباری نمی‌باشد؛ چرا که انگیزه اصلی در این نظام، برقراری و صیانت پیوند با خداوند است که همگان با ذات اقدسش ارتباط وجودی دارند و سایر مسائل؛ مانند ساختار و عناوین نظیر ریاست، مرئوسیت، معاونت و... فقط به منظور ایجاد نظم صوری در جامعه می‌باشد؛ وگرنه تنها عامل ارتباط بین افراد مسلمان در یک نظام اسلامی، همان حفظ پیوند بندگی با خدای سبحان است (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۷).

اگر فعالیت نظام صرفاً بر اساس روابط قراردادی صورت پذیرد، همانند سرایی خواهد بود که هرگز تشنه مقام و نیازمند به کمال را سیراب نخواهد کرد. چرا که رابطه‌های اجتماعی در نظام الهی به یک پیوند واقعی و ارزشی تکیه می‌کند. لذا تشریح و تنظیم رابطه در حکومت اسلامی و نظام الهی تنها به استناد وحی آسمانی بوده و صرفاً از آن منبع مدد می‌گیرد (همان، ص ۸). اگر بین قوانین و مقررات اعتباری با قواعد واقعی و حقیقی پیوندی برقرار نشود و آن قوانین و مقررات اعتباری از این قواعد اصیل استمداد نکند و با آن هماهنگ نباشد و آن‌ها را زیربنای تشکیل نظام قرار ندهد، هرگز آن فروع اعتباری، عامل تأمین سعادت جامعه و انسان نخواهد بود و لذاست که پذیرش اصولی چون اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر انطباق کلیه قوانین و مقررات با موازین اسلامی، مسلماً در همین راستا و در انطباق با همین ماهیت بوده و در تدوین و تصویب قوانین و مقررات، چاره‌ای جز اعتماد به اصول زیربنایی انسان در اسلام وجود ندارد. لازم به ذکر است که برقراری این اعتماد و انسجام:

مستلزم آشنایی با تمام حقیقت انسان و تمام حقیقت جهان هستی است؛ زیرا جوامع انسانی با تمام جهان آفرینش در شرایط گوناگون ارتباط دارند و آشنایی کامل به انسان و جهان، برای احادی جز آفریدگار آن‌ها میسر نیست. لذا تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها فقط با هدایت الهی خواهد بود (همان، ص ۷).

این‌جاست که با برقراری ارتباط ما بین نظام‌سازی با فرامین الهی در چارچوب کلی تکوین و تشریح برخاسته از آن، ماهیت الهی و حقیقی نظام اسلامی مشخص می‌گردد. اصلی‌ترین هدف از طرح بحث ماهیت نظام اسلامی این است که طراحی نظام، باید هم‌سو با ماهیت آن باشد و در یک نظام که ریشه در واقعیت‌ها و اراده حکیمانه الهی دارد، نباید همه چیز اعتباری و انتزاعی فرض شوند. مهم‌ترین ویژگی و تفاوت نظام اسلامی با سایر نظام‌ها در نحوه نگرش به انسان و سازمان نهفته است. جهت‌دهی مجموعه نظام اسلامی، در چارچوب احکام اسلامی و تعالی به سوی خدا است.

بر این اساس، رهبر معظم انقلاب، شعارهای انقلاب دینی و نظام اسلامی را

برخاسته از یک امر حقیقی که همان فطرت بشری است، دانسته و بیان می‌دارند:

برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب از این قاعده مستثنی است؛ آن‌ها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱).

### آسیب‌شناسی‌های نظام اسلامی

چون نظام‌سازی اسلامی ریشه در حقایق دارد، لذا هر آسیبی برای آن، آثار وضعی منفی دارد و نباید مصالح خودساخته بشری در تقابل با مصالح واقعی الهی آسیب‌ها را نادیده گرفته یا آن‌ها را رواج دهد. بر این اساس، آسیب‌شناسی نظام‌سازی اسلامی از اهم مسائل بیانیه «گام دوم انقلاب» است. به همان اندازه که نظام‌سازی اسلامی، شرایط و ضوابط مکتبی و توانایی‌های تخصصی و علمی لازم را دارد، به تناسب کمبود، یا ضعف این شرایط و توانایی‌ها، آسیب‌هایی را دامن‌گیر این نظام می‌کند که اگر شناخته و پیش‌گیری نشود، نظام اسلامی، نه تنها توان انجام مسؤولیت‌های خود را از دست می‌دهد، بلکه «دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت» (همان، ص ۲) و به جای گره‌گشایی از جامعه، بر مشکلات آن می‌افزاید.

بی‌تردید برای هر عاملی، مانعی و برای هر ساطعی، رادعی و برای هر حرکتی، آفتی هست که بر هر شخص در مسیر لازم است آن موانع، روادع و آفات را بشناسد و در ضمن آراسته‌شدن به فضایل، خویشتن را از رذایل دور ساخته و آسیب‌ها را کنار زند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۴).

نظام‌سازی، توانی است که بالقوه همه انسان‌ها با داشتن شرایطی آن را دارند، اما

وقتی که تناسب مسئولیت با توانایی از نظر تعهد و دانش و تخصص به هم خورد، ناگزیر زمینه رشد آسیب‌ها و آفت‌ها فراهم می‌گردد که در این‌جا به اهم آفات و آسیب‌های مورد تصریح در بیانیه به نحو اختصار اشاره می‌شود:

### الف) جاه‌طلبی و مال‌دوستی

فساد، توده چرکین کشورها و نظام‌ها است که اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویران‌گر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است. یکی از مهم‌ترین مصادیق فساد و آسیب نظام‌ها، وسوسه مال و مقام و ریاست است که حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ؛ یعنی حکومت حضرت امیرالمؤمنین <sup>7</sup> کسانی را لغزاند. لذا خطر بروز این تهدید در نظام جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسؤولان آن مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست که راه‌کار این است که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشند و به معنای واقعی با فساد مبارزه کنند و از تشکیل نطفه فساد پیش‌گیری و با رشد آن مبارزه نمایند که این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر و منبع‌الطبع، با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۷). فرزانه کسی است که وسیله را هدف نپندارد و غیر از هستی محض و لقای خداوند - که همان حقیقت هستی است - هر چیز دیگر را وسیله بداند و به چیزی که گذراست، دل نبندد (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۵).

### ب) انعطاف در برابر مستکبران و قوأم به قسط نبودن

صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان و حمایت از مظلومان و مستضعفان و جوان‌مردی و مروت انقلابی و گستره این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان از الزامات نظام‌سازی اسلامی می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۲). گرچه بر هر مسلمان لازم است که عادل باشد و به قسط قیام کند، لیکن کارگزاران نظام اسلامی، باید بیش از دیگران به ملکه فاضله قیام به قسط متصف باشند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء (۴): ۱۳۵). در مسؤولین نظام اسلامی



غیر از آنچه که در شهروندان متعارف معتبر است، چیز دیگری لازم است و آن این‌که استکبارستیزی و قوام به قسط باشند و قوام‌بودن، غیر از عادل‌بودن است و چیزی فراتر از آن است تا از گزند هرگونه تبعیض و اهمال و مانند آن مصون باشند (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۵). استکبارستیزی و قوام به قسط‌بودن، عناصر و مؤلفه‌های دیگری را نیز اقتضا می‌کند که از جمله می‌توان به عدم اتکا به مستکبران، فاصله‌نگرفتن از ارزش‌ها، عدم تزلزل در پای‌بندی به اصول، اعتمادنکردن به دشمن، عدم تبعیض در توزیع منابع، توجه جدی به محرومین، مبارزه بی‌امان با شکاف عمیق طبقاتی و عدم خیانت به آرمان‌ها و شعارها اشاره کرد. بر این اساس، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده نظام اسلامی به شمار می‌رود؛ چرا که ایران اسلامی و انقلابی، در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست، نخست دست‌نشانده آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا به امروز از سلطه دوباره قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴).

### ج) عدم پای‌بندی به آرمان‌ها

آرمان‌ها ایجاب می‌کند که انسان خود را وامدار ارزش‌ها، پیمان‌ها و شعارهای خویش بداند و به آن بدون هیچ کم و کاستی وفا کند. موضوع پای‌بندی به آرمان و میثاق در خصوص هیأت حاکم، اهمیت مضاعفی دارد؛ چرا که آن‌ها مؤمنان به قانون در دو بخش عقیده و عمل؛ یعنی دو عنصر ایمان و اَیْمَان‌اند. به آن‌چه خداوند به وسیله قرآن و عترت فرمود، ایمان دارند و به آن متخلّق‌اند و این همان ایمان است و به آن‌چه به جامعه و دیگران (اعم از این‌که در عرصه ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی باشد) تعهد سپرده‌اند، پای‌بندند. مهم‌ترین گرفتاری دنیای امروز در خلأ اصول اخلاقی، فقدان همین عنصر دوم؛ یعنی ایمان است. قرآن کریم، راز ضرورت مبارزه با طاغیان استکبار، یاغیان استعمار، باغیان استثمار، مکاران استحمار و بالأخره سوداگران استعباد را همین فقدان پای‌بندی به آرمان‌ها و میثاق‌ها می‌داند: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» (توبه: ۹)، نه «لا

ایمان لهم؛ زیرا با کافر می‌توان زندگی مسالمت‌آمیز کرد، ولی با مستکبر هرگز (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۴۳). از منظر بیانیه، یکی از افتخارات نظام اسلامی پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌ها، بدون خیانت به آرمان‌ها در برابر همه وسوسه‌های نظام سلطه و صیانت از کرامت و اصالت شعارها و پای‌بندی به آن‌ها و پیوند میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی و دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی می‌باشد. نظام اسلامی، ضمن نشان‌دادن حساسیت مثبت به نقدها نسبت به آرمان‌های خود تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نبوده و از ارزش‌هایش که با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نگرفته است. این نظام، ضمن این‌که متحجر نبوده، در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما در عین حال، به اصول و آرمان‌های خود به شدت پای‌بند بوده و با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱-۲).

#### د) تفکیک تعهد و تخصص

هر رفتار نا آگاهانه و علم به عمل ننشسته، دو آسیبی هستند که کارگزاران و به تبع آن، نظام را تهدید می‌کند. دین هر دو را نکوهش کرده است.<sup>۲</sup> علم بی‌عمل و عمل بی‌علم در حکم دو لبه یک قیچی‌اند و هر دو از آفات بزرگ و آسیب‌های خطرناکی هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸). بیانیه گام دوم با تأکید بر بهره‌مندی از تجربه، به ویژه گوش سپردن به تجربه پیش‌کسوتان و شناسایی درست گذشته، علم و پژوهش را همراه با معنویت و اخلاق، به عنوان دو راه‌کار بنیادین معرفی و برای تحقق نگاه انقلابی و عمل جهادی، جوانان را برای به‌دوش کشیدن بار سنگین مسؤولیت بر شانه‌های خود در عرصه‌های مدیریتی، کارگزاری، اندیشه‌ورزی و فعالیت در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، به ساختن ایران اسلامی به عنوان الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی فرا می‌خواند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۵).

#### ه) تفکیک دین و دنیا

همان‌گونه که در ماهیت نظام گذشت، نظام اسلامی ریشه در وحی الهی و حقایق

تکوینی دارد، لذا در نظام اسلامی اکتفا به دنیا و عقل مادی صرف بس نیست، بلکه باید پشتوانه‌ای به نام وحی داشته باشد. ادراکات عقل مادی باید با دین و وحی هماهنگ گردد تا صراط مستقیم پیموده شود. فکر را باید از هوی، هوس، حسد، کینه، غضب، رشوه و... تعدیل کرد که از قلمرو وحی تعدی نکند. هرگونه تجاوز از حد و قلمرو وحی، مساوی با جهل است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱-۲۴۰). «وَمَنْ لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده(۵): ۴۴). بر این اساس، بیانیه گام دوم، توأمانی دین و دنیا را آغازگر عصر جدیدی اعلام نموده که این توأمانی چارچوب‌های شرق و غرب مادی را در هم شکسته و کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشیده است که تحقق آرمان‌ها را در کنار استفاده از تجارب گذشتگان به حضور نسل جوان، مؤمن و دانا و کاردان و پراکنگیزه موکول می‌کند که این مدیریت‌های جهادی با الهام‌گرفتن از ایمان اسلامی و توجه به ابعاد علمی و فناوری تحقق می‌یابد. بیانیه گام دوم، آزادی را همراه با حفظ ارزش‌ها، عقلانیت را در پیوند با ایمان دینی، حاکمیت علم توأم با حاکمیت معنویت و اخلاق و فراهم‌کردن زمینه رشد اخلاق و معنویت همراه با مبارزه با کانون ضد معنویت و اخلاق و نهایتاً انعطاف‌پذیری در عین عدم انفعال را به عنوان راه‌کارهای بنیادین تحقق توأمانی دین و دنیا تبیین و تجویز می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۶-۲).

در بیان آسیب‌ها و آفت‌ها به موارد مذکور بسنده نموده و در یک جمع‌بندی نهایی بیان می‌داریم که همه اعمال انسانی که گردانندگان اصلی نظام هستند، از دو جهت تهدید و تحریف می‌شوند: فاعل و فعل؛ یعنی عملی مطلوب و مثاب است که از دو جهت صحیح و مصاب باشد: ۱. رفتاری که به حسن فعل آراسته باشد. ۲. از رذالت فاعلی مبراً و به حسن فاعلی محلاً باشد. بنابراین، قبح فعلی و فاعلی و رواج آن دو، از مهم‌ترین آفات و آسیب‌های نظام است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸) که قراردادن صفات و شرایطی چون ایمان، دست‌پاکی، صفای دل، مناعت طبع، روحیه انقلابی<sup>۳</sup>، دانایی، کاردانی، شجاعت، پراکنگیزه‌بودن، امیدواری، نگاه خوش‌بینانه به آینده، پرهیز از ناامیدی و امید کاذب، عدالت، تقوا، آگاهی و... برای کارگزاران نظام، همه در همین راستاست (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۷-۱).

## اصول حاکم بر نظام‌سازی اسلامی

نظام‌ها می‌باید در فرآیند اعمال و تحقق آرمان‌ها، خود را مقید به اصولی نموده و بر آن‌ها پای‌بند باشند. این اصول، هنجارها و ارزش‌هایی هستند که در رویه نظام‌سازی بر حکومت و روابط آن با شهروندان حاکم بوده و از تنوع و تکثر برخوردار هستند و بر اساس معیارهایی تقسیم‌بندی می‌شوند (Weda, 2000, p.893-904, Hawke, 1998, pp43-48)؛ هداوند، ۱۳۸۸، ص ۸۴ و رنجبر، ۱۳۹۵، ص ۱۲۶). تبیین اصول حاکم بر نظام‌سازی از آن جهت ضرورت دارد که فروع، جایگزین اصول نشوند. شایان یادآوری است از آن‌جا که این نوشتار مربوط به اصول و مؤلفه‌های پایه‌ای نظام‌سازی اسلامی می‌باشد، لذا صرفاً به خطوط اساسی برخی از اهم این اصول می‌پردازیم:

### الف) اصل عقلانیت

اهمیت عقل و اصول عقلانی در همه نظام‌ها یک امر پذیرفته شده است. اما همه اختلاف در چگونگی ایفای نقش عقل در این نظام‌ها می‌باشد. وقتی از حضرت علی ۷ راجع به عاقل سؤال شد، حضرت فرمودند: «عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خودش می‌گذارد». دوباره سؤال شد که جاهل را توصیف کن، فرمود: «توصیف کردم»؛ یعنی جاهل کسی است که هر چیزی را به جای خودش نمی‌گذارد: قیل له ۷: صف لنا العاقل: فقال ۷: «هو الذی یضع الشیء مواضعه: [فقیل: فصف لنا الجاهل، فقال ۷: [قد فعلت]» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷). اگر در نظامی، عقل رعایت نشود، آن نظام دوام نخواهد آورد و چون عقل و فرزانیگی، عامل برقراری نظام حکومتی است و عقل آن است که به وسیله آن انسان راه بهشت را طی کند و پرستش خداوند سبحان بدان حاصل شود که «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۹)، هرگز یک نظام‌سازی مطلوب از عقل بیرون نمی‌رود (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۰).

«عقل که همانند نقل نیروی اکتشافی شرع است، چراغ روشنی است که در تشخیص صراط مستقیم سهم به‌سزایی دارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

مؤلفه‌های عقلانیت در بیانیه «گام دوم»، توأمانی عقلانیت با انقلابی‌گری، ترابط آن با حکمت، خردگرایی، درایت، تفکر، آزادی فکر، پرهیز از قشری‌گری، تحجر، اجتناب از اوهام و خیال، پرهیز از سازش‌کاری با دشمن و عدم مدارا با فریب‌کاران است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶، ص ۲). در روایتی از امیر مؤمنان علی ۷ می‌خوانیم که وقتی از آن حضرت پرسیدند: ای الناس اثبت رأياً؟ چه کسی از همه مردم از نظر عقل با فکرتر است؟ فرمود: «من لم یغره الناس من نفسه و لم تغره الدنيا بتشویقها»؛ کسی که مردم فریب‌کار او را نفرینند و تشویق‌های دنیا نیز او را فریب ندهد (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۸۳). هم‌سویی خرده نظام‌ها با نظام کلان سیاسی، حاکمیت علم و دانش و حرکت به سمت رستاخیز علمی و عدم رکود علمی، تأکید مؤکد بر اقتصاد و تشویق به کسب ثروت مشروع، کسب استقلال و عزت بین المللی، پیوند جوش انقلابی با نظم، درس گرفتن از تجربه‌ها، مدیریت جهادی، اتکای به امید صادق، دوری از ترس و تحجر، عدم استفاده از قوه قاهره در معنویت و اخلاق، تکیه بر کارگزاران صالح، پرهیز از افراط و تفریط و داشتن سبک زندگی اسلامی، ابعاد دیگری از عقلانیت هستند که به‌وسیله بیانیه گام دوم تجویز شده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۸-۱).

### ب) مردم‌سالاری دینی

بیانیه گام دوم انقلاب، ترکیب جمهوریت و اسلامیت را نخستین درخشش انقلاب معرفی کرده و مردم‌سالاری دینی و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، به کانون مدیریت کشور تجویز و مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی؛ مانند انتخابات و مقابله با فتنه‌های داخلی و حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی را از دستاوردهای نظام اسلامی می‌داند (همان، ص ۳-۲).

مردم‌سالاری دینی، در نظر گرفتن رأی، خواسته‌ها و مطالبات مردم بر اساس مبانی ارزشی می‌باشد. اگر جوهره مردم‌سالاری و دموکراسی را مشارکت سیاسی بدانیم، بی‌شک دین اسلام بر مشارکت سیاسی تأکید شایانی داشته است که برخی از ساز و

کارهای مشارکت سیاسی عبارتند از: شورا، مشورت، بیعت، نظارت عمومی، امر به معروف و نهی از منکر (سعیدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹-۱۶۷).

مردم‌سالاری دینی اشاره به الگویی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار بوده و با الگوهای غربی تفاوت دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۵۲).

در «مردم‌سالاری دینی»، دو نوع حاکمیت؛ البته در دو سطح متفاوت اعمال می‌شود که عبارتند از:

۱. حاکمیت الهی.

۲. حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش.

که حاکمیت الهی، نتیجه منطقی دلایل متقن توحید<sup>۴</sup> و حاکمیت انسان، نتیجه منطقی اصل اعتقادی و دینی «آزادی و اختیار» انسان است<sup>۵</sup> (عمید زنجانی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۹). هر چند که حکومت، تنها از آن مدیر و مدبر مطلق هستی است.<sup>۶</sup> با این حال، انسان تکویناً آزاد آفریده شده است و هرگز بر پذیرش هیچ حاکمیتی - اعم از الهی و یا غیر آن - مجبور نیست. از این رو، نه در اصل دین تحمیل است «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره ۲: ۲۵۶) و نه حکومت دینی می‌تواند اجباری باشد. تثبیت حکومت در جامعه به رغبت و آمادگی جمعی بستگی دارد و چنین حکومتی، با خواست و اراده مردم شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد. در مردم‌سالاری دینی، سخن از تفوق و حاکمیت مستبدانه دین و نادیده گرفتن هرگونه نقشی برای مردم نیست تا تصور شود با به میان آوردن نظرات مردم، ناگزیر باید حکومت خداوند را به کنار گذاشت؛ چنان که در حکومت‌های دموکراسی و تئوکراسی، بر چنین حاکمیتی‌هایی تأکید می‌شود. البته در مردم‌سالاری دینی، تنها رأی و نظر مردم، محور امور قرار نمی‌گیرد؛ چنان که در الگوی دموکراسی و لیبرال‌دموکراسی مطرح است. به هر حال، مردم‌سالاری دینی، نقش مردم را در تعیین، تشکیل و استمرار حکومت نادیده نمی‌گیرد، ولی همین حکومت، هرگز مسؤولیت مهم و محوری خود را در پیروی از مسیر حقیقت فراموش نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۲۴).

### ج) اصل حفظ نظام و شعائر

حفظ نظام، از بنیادی‌ترین مبانی فقه اسلامی است (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۶۴). بر این اساس، مسؤولیت در نظام اسلامی نیز به عنوان امانت الهی تلقی می‌شود: «إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه، نامه ۵) و لذا خیانت در آن از جمله معاصی بزرگ محسوب می‌شود. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء(۴): ۵۸) و معنای رعایت و حفظ، همانا رعایت همه شئون مسؤولیت‌ها است. اثر سوء خیانت در امور عمومی مسلمانان (اموال، اعراض، نفوس و حقوق آنان)، به حدی بزرگ است که در کنار خیانت به خدا و پیامبر ﷺ واقع شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال(۸): ۲۷).

در باره خطرناک بودن خیانت در نظام، تعبیر دیگری در قرآن کریم مطرح است و آن این‌که انسان خائن در قیامت با همان خیانتش محشور می‌شود: «يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ» (بقره(۲): ۱۶۷) و باید خزی و رسوایی آن الم ابدی را تحمل کند. نظام اسلامی موظف است همه آرمان‌ها، شعارها و ارزش‌های خویش را حفظ کرده و خیانت در امانت را، حتی در شعارها روا ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۱).

### د) اصل تخصص و تعهد (شایستگی)

جمهوری اسلامی ایران، نظامی بر پایه ایمان به توحید و کرامت و ارزش والای انسانی است که از راه اجتهاد و استفاده از علوم و یافته‌های عقلانی به اهداف خود می‌رسد (اصل دوم قانون اساسی). بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران نظام ارزش‌هاست. این نظام، علاوه بر به‌کارگیری همه امکانات خویش، برای پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، اهداف متعالی دیگری را نیز دنبال می‌کند که هدف میانی آن اهتمام به تحقق عدالت و هدف غایی آن تعالی انسان و خلیفه‌الله‌شدن او است. لذا از آن‌جا که همه ارکان، ساختارها، نهادها و تشکیلات جمهوری اسلامی ایران مستحیل در یک نظام ارزشی است، لذا تحقق این اهداف ارزشی نیازمند کارگزاران، مدیران و نیروهای ارزشی است. رعایت اصل شایستگی و تعیین شایستگی در

مسئولیت‌ها یکی از مباحث اصلی نظام‌سازی اسلامی می‌باشد که این اصل، برای خود دارای اهداف، شاخص‌ها، ملاک‌ها و ابزارهای خاصی می‌باشد (قوامی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱-۲۲۷). این موضوع در اندیشه و متون دینی، تحت عنوان «تخصص و تعهد» یا «تخصص و امانت» بیان شده است (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳). قرآن کریم، وقتی کارها را مطرح می‌کند، می‌فرماید: کارها را به دست کسی بدهید که هم بتواند آن کار را از نظر معیارهای علمی به خوبی انجام دهد و هم پاسدار حقوق مردم باشد. این دو اصل، هماهنگی تخصص و تعهد را در فرهنگ قرآن کریم، مکرر می‌بینیم. یکی از مواردی که مسأله تخصص و تعهد را کنار هم ذکر می‌کند، این است که آن شخص می‌گوید: «انی علیه لقوی»؛ یعنی من می‌توانم این کار را انجام بدهم، اما تنها قوه داشتن کافی نیست، باید امین بود. لذا می‌گوید: «قوی آمین» (نمل (۲۷): ۳۹)؛ یعنی هم نیرومندم و هم امین. درست در همین راستاست که بیانیه گام دوم انقلاب، مهم‌ترین راه‌کار تحقق اهداف بیانیه را تکیه بر نیروی انسانی ارزشی، همراه با شاخص‌هایی چون ایمان، روحیه جهادی، مناعت طبع، دست‌پاکی و امانت‌داری می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۷).

#### ه) عدالت‌محوری

عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این، کلمه‌ای مقدس در همه زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد، ولی به صورت نسبی همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه، به ویژه حاکمان و قدرت‌مندان است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسؤولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیم‌ناک باشد، تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان‌دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است. هم‌چنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست؛ اگر زمام‌داره



بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد (همان).

بر این اساس، عدالت بنیادی‌ترین اصل حاکم بر نظام‌سازی است. اگر عدالت از شاکله نظامی برداشته شود، پایه‌های آن نظام فرو خواهد ریخت. عدالت به عنوان سرچشمه پیشینی نظام‌سازی، مبانی آن را موجه ساخته و هم‌چنین به عنوان یک ارزش پسینی، معیاری برای عمل‌کردها محسوب می‌شود و سنگ محک همه عمل‌کردهای حکومتی قرار می‌گیرد. البته باید توجه داشت که در نظام اسلام، عدالت صرفاً یک امر اعتباری و به خواست دولت یا مردم نیست، بلکه عدالت ریشه در حقایق و واقعیت‌ها دارد.

به هر حال، عدالت، بخشی از انتظارات عمومی نظام حقوقی و سیاسی هر کشور را تشکیل می‌دهد و این یک اصل بنیادی است که دولت در همه سطوح و ابعادش در مسائلی که با عموم سر و کار دارد، باید با عدالت عمل کند (Longley, 1999, p.56). استمرار و دوام اجزای هر نظامی هم‌چون سمت‌ها و مسئولیت‌ها، در گرو بقا و دوام نظام است و بقای نظام نیز در آن است که آن نظام، عادلانه رفتار کند. اگر ملتی از نظام عدالت نبیند و حسن ظن و اعتماد به نظام نداشته باشد، از نظام حمایت نخواهد کرد و رفته رفته شیرازه نظام از هم گسسته شده و با انهدام بنای آن، مجالی برای حکومت مسئولان نخواهد ماند (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴).

سخنان سودمند حضرت فاطمه زهرا  $\text{ؑ}$  در خصوص عدالت، در خطبه‌ای که راجع به فدک فرمود، چنین است:

«فرض الله الإيمان تطهيرا لكم من الشرك ... و العدل تنسيقا للقلوب و الطاعة نظاما للملة و الامانة لمأمين الفرقة... و العدل في الاحكام ايناسا للرعية» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۶۲)؛ خداوند سبحان ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه‌داشتن از آلودگی شرک واجب کرد و عدالت را به منظور تأمین اطمینان و آرامش دل‌ها لازم نمود که اگر در جامعه‌ای عدالت نباشد، افراد آن احساس امنیت و آسایش نخواهند کرد و نیز عدالت در احکام را برای تأمین انس و هم‌بستگی و عدم اختلاف و پرهیز از تفرقه قرار داد؛ زیرا

تنها عامل انسجام امت، همان رعایت عدل در حقوق مردم است؛ وگرنه دل‌های آنان نا آرام می‌گردد.

امام سجاد 7 در تبیین حقوق متقابل دولت و مردم و لزوم رعایت عدالت چنین می‌فرماید: «و اما حق رعیتک بالسلطان... ان تعدل فیهم»؛ (همان، ج ۲، ص ۶۲۵)؛ حق مردم بر والی آن است... که عدالت را در باره آنان رعایت کند.

امیرالمؤمنین، حضرت علی 7 نیز در این خصوص می‌فرماید: «... و إن أفضل قرة عين الولاية استقامة العدل في البلاد...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ بهترین چیزی که مایه روشنی چشم زمامداران و مسؤولین است، همانا گسترش عدل و داد در بلاد و شهرها است. متصدیان حکومت اسلامی باید بدانند که بقای آن‌ها در پرتو عدل و داد است؛ بطوری که نه او بدون عدل و داد می‌تواند بماند و نه چیزی به جای عدل، توان جذب قلوب مردم را داراست. در این زمینه، سخنان امیرالمؤمنین 7 چنین است:

«ان الوالی إذا اختلف هواه منعه ذلك كثيرا من العدل فليكن أمر الناس عندك في الحق سواء فإنه ليس في الجور عوض من العدل» (همان، نامه ۵۹)؛ چنان‌که یک زمامدار، امیال گوناگون داشته باشد، از اجرای عدل در بسیاری از موارد محروم می‌ماند. لذا همه مردم باید از لحاظ حق، در برابر او یک‌سان باشند. زیرا هرگز ستم و تجاوز به جای عدل قرار نمی‌گیرد.

لازم به ذکر است که در عدالت‌محوری، قائم به عدل بودن برای نظام اسلامی بس نیست، بلکه باید «قوام» باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۴) که به این نکته در آیات و روایات تأکید شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مائده ۵: ۸). قوام، صیغه مبالغه و به این معناست که هرگز خطر جور و ستم و احتمال بی‌عدالتی از نظام، به کسی وجود نداشته باشد. از این رو، گفته شده که تمام عزت فرد و جامعه در پرتو عدالت است و همه انحطاط و ذلت، مرهون ظلم: «طاعة ولاة العدل تمام العز» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۲۰)، «العدل حياة، الجور مائة» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۳۱۸). به همین جهت، پیامبر بزرگوار اسلام 9 همه تقوا را در دو کلمه قرآن خلاصه کردند و فرمودند: جماع التقوى في قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (همان).

اگر عدالت را به معنای قرارگرفتن هر چیز در محل خود: «العدل یضیع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) و نظام اسلامی را اقامه‌کننده آن بدانیم که سبب امنیت و آرامش و زوال ظلم و تعدی می‌شود، عادل بودن نظام اسلامی از الزامات فقهی خواهد بود، نه از اوصاف اخلاقی؛ زیرا ایجاد امنیت و امحای اختلال، یکی از اهداف اصلی حکومت دینی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

البته ممکن است در خصوص عدالت‌محوری نظام اسلامی اشکالی مطرح شود و آن این‌که آیا عادل بودن نظام، به عنوان یک شخصیت حقوقی امکان‌پذیر است؟ چرا که عدالت به معنای کیف نفسانی، حالت درونی انسان است و این در حالی است که نظام، یک شخصیت اعتباری بوده و نمی‌توان از سازمان یا نهاد، همانند انسان، انتظار عدالت و تقوا را داشت. به عبارت بهتر، تقوا و عدالت نهادی و عدالت سازمان‌ها و دستگاه‌ها به دلیل کیف نفسانی بودن آن دو (عدالت و تقوا) امکان تحقق ندارد. چرا که منظور از عدالت در آیات و روایات، ناظر به افراد و اشخاص حقیقی می‌باشد.

در پاسخ باید گفت که اولاً: اعتباری بودن اشخاص حقوقی و در رأس آن جامعه، یک امر اجماعی و اثبات‌شده نمی‌باشد، بلکه در این خصوص، میان صاحب‌نظران اختلاف بوده و برخی معتقد به وجود حقیقی جامعه و اشخاص حقوقی هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹). ثانیاً: اگر مجموع افراد و انسان‌های تشکیل‌دهنده نظام اسلامی متصف به کیف نفسانی عدالت بوده و «عدالت فاعلی» تحقق پیدا کند، این امر خود به خود منجر به «عدالت فعلی» نیز خواهد شد و درست است که استعمال عدالت برای «نظام»، به تناسب قرینه حال و محلّ یک نوع استعمال مجازی بوده و منظور افراد و اشخاص، تشکیل‌دهنده آن نظام می‌باشند، اما اتصاف این افراد به عدالت، خود به خود به نظام هم سرایت می‌کند.

ثالثاً: با اتخاذ روی‌کردها و روش‌ها در ساختار و اصلاح فرآیند نظام و اعمال پایش و نظارت مؤثر و کارآمد در مراحل انجام امور توسط نظام به‌ویژه با مراقبت خاص بر حاکمیت کامل قوانین بر تمامی جوانب و ابعاد فعالیت و عمل کرد، می‌توان به نوعی «عدالت» دست پیدا کرد که این عدالت، شامل همه عمل کرد و فعالیت‌های نظام در پرتو

رعایت قوانین منبعث از اراده الهی می‌گردد. آن‌گونه که امروزه مراجع پایش و استاندارد در ارزیابی عمل‌کرد سازمان‌ها و حتی کشورها، نفس نظام‌های سیاسی، اداری و مالی را بدون دخالت نقش مدیران و کارکنان آن ارزیابی کرده و رده‌بندی می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب»، به مثابه یک منشور حکومتی واجد ارزش حقوقی و شرعی بوده که ضمن تبیین اوصاف و الزامات نظام‌سازی اسلامی، به اهم دستاوردهای چهل‌ساله اول انقلاب اسلامی پرداخته و همه این دستاوردها را محصول مدیریت جهادی و روحیه انقلابی دانسته و در مقابل، وجود فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها را در دوری از ارزش‌های انقلابی معرفی می‌نماید.

۲. از منظر بیانیه، نظام اسلامی ریشه در حقایق و اراده الهی داشته و بر این اساس، راه‌کارهای مندرج در بیانیه، باید ضمن تبعیت از نظریه نظام انقلابی، انقلاب اسلامی را به سمت آرمان بزرگش که آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (اورحنا فداه) است، نزدیک کند.

۳. بیانیه برای نظام‌سازی، به آسیب‌شناسی‌های نظام اسلامی هم‌چون فاصله‌گرفتن از ارزش‌ها، درس‌نگرفتن از تجربه‌ها، حب جاه و ریاست، مدارا با فریب‌کاران، تبعیض، دل‌بستگی به امید کاذب، خیانت به آرمان‌ها و شعارها، عدم خودسازی و... اشاره می‌کند.

۴. در کنار پرداختن به آسیب‌شناسی‌ها، بیانیه، اصولی نظیر توجه به علم و پژوهش، اقتصاد، هم‌سویی خرده نظام‌ها با نظام کلان اسلامی، عقلانیت، عدالت‌محوری، آزادی، معنویت، اخلاق، استقلال، شایستگی، مردم‌سالاری دینی، حفظ آرمان‌های انقلاب و... را به عنوان الزامات حاکم بر نظام‌سازی اسلامی تجویز می‌کند.

۵. راه‌کارهای بنیادین بیانیه برای تحقق نظام‌سازی اسلامی عبارتند از: امید، نگاه خوش‌بینانه به آینده، مدیریت جهادی، حفظ روحیه انقلابی، شجاعت، اتکای به نیروی انسانی مؤمن و کاردان، فراهم‌کردن زمینه رشد اخلاق و معنویت، وجود دستگاه کارآمد و تیزبین برای صیانت از ارزش‌ها.

## یادداشت‌ها

۱. «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدًا وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ» (نمل (۲۷): ۸۸)؛ کوه‌ها را می‌بینی که (می‌پنداری) که بی‌حرکت‌اند؛ حال آن‌ها در حرکت‌اند، این صنوع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری آفریده است.
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف (۶۱): ۲)، «أُنْهَاكَ عَنْ خَصَلَتَيْنِ فِيهِمَا هَلَاكُ الرَّجَالِ أَنْهَاكَ أَنْ تَدِينَ اللَّهَ بِالْبَاطِلِ وَتُفْتِيَ النَّاسَ بِمَا لَا تَعْلَمُ» (ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶).
۳. لازم به یادآوری است که در منظومه فکری مقام معظم رهبری، جوان مؤمن انقلابی، واجد شاخصه‌های عینی و ملموس می‌باشد که برای آشنایی بیشتر، رک: *چهل شاخصه جوان مؤمن انقلابی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب*، در: [www.bultannews.com](http://www.bultannews.com).
۴. «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ» (بقره (۲): ۲۵۶).
۵. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد (۱۳): ۱۱).
۶. «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف (۱۲): ۴۰).

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اراکی، محسن، فقه نظام سیاسی اسلام، ج ۱، قم: مجمع الفکر اسلامی، ۱۳۹۳.
۴. خامنه‌ای، سید علی، «۴۰ شاخصه جوان مؤمن انقلابی» در: [www.Bultannews.com](http://www.Bultannews.com).
۵. خامنه‌ای، سید علی، «بیانیه گام دوم انقلاب»، ۱۳۹۷، در: [www.khamenei.ir/news](http://www.khamenei.ir/news).
۶. خامنه‌ای، سید علی، «عقلانیت»، ۱۳۹۶، در: [www.khamenei.ir/news](http://www.khamenei.ir/news).
۷. خامنه‌ای، سید علی، «نظام‌سازی»، ۱۳۹۰، در: [www.khamenei.ir/news-content?id=17222](http://www.khamenei.ir/news-content?id=17222).
۸. امام خمینی، سیدروح الله، *صحیفه امام*، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
۹. امام خمینی، سیدروح الله، *کتاب البیع*، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، *اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۳، ۱۳۹۶.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ادب قضا در اسلام، قم: اسراء، ج ۲، ۱۳۹۰.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم: اسراء، ۱۳۸۹.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، نسبت دین و دنیا، قم: اسراء، ج ۵، ۱۳۸۷.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاة، قم: اسراء، ج ۱۳۷، ۱۳۹۲.
۱۵. رنجبر، احمد، عدالت اداری، تهران: بنیاد حقوق میزان، ۱۳۹۵.
۱۶. سعیدی، مهدی، مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیه‌الله خامنه‌ای، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۱۷. شمس‌الدین، محمدمهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه سید مرتضی آیه‌الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۸. شیخ صدوق، ابوجعفر، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۳ و ۴، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق اساسی، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۷.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی: مبانی حقوق عمومی در اسلام، ج ۷، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۲۱. قاسم جعفر، محمد انس، الوسیط فی القانون العام، بیروت: دارالتعارف، ۱۹۹۴م.
۲۲. قوامی، سید صمصام‌الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰.
۲۳. کتانی، عبدالحی، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۱، بیروت: دارالتعارف، ج ۴، ۱۴۰۱ق.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی و نوروزی، محمدمجواد، مردم‌سالاری دینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۴، ۱۳۸۸.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی، بحثی کوتاه پیرامون حکومت اسلامی و ولایت فقیه، تهران: سازمان تبلیغات، ج ۳، ۱۳۷۳.
۲۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل‌البتیت : لاجیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۸. هداوند، مهدی، اصول حقوق اداری، تهران: نشر خرسندی، ۱۳۸۸.

29. Calvert, Harry, British **contitutional** law, Back stone Press limited, 1985.
30. Jaykumar, **N.K**, Administrative Law, New Delhi, Prentice of India, 2005.
31. Hawke N. and **Parpworth** N. Introduction to Administrative law, London, Cavendish pub, 1998.
32. **Longley**, Diane and James Rhoda, Administrative Justice, London, Cavendish Publishing, 1999.
33. **Weda**, sir **william** and **chrisopher** Forsyth, Administrative Law, 8th Edition, Oxford university Press, 2000.

عزیز

سال بیست و پنجم / شماره اول / پیاپی ۹۵

۱۴۴